

«مرگ‌لوزندگی‌از منظر زبان، اسطوره‌ها و تاریخ» منتشر شد

۲۴ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۱۳:۳۶

کتاب «مرگ و زندگی از منظر زبان، اسطوره و تاریخ» از شیوه‌گذاری در ایران کهن و برخورد با مرگ سخن می‌گوید. این کتاب از سوی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری برای همایش ملی مردم‌شناسی مرگ و زندگی منتشر شد.

کتاب «مرگ و زندگی از منظر زبان، اسطوره و تاریخ» به کوشش فریبا شریفیان با همکاری خدیجه امامی از سوی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری برای همایش ملی مردم‌شناسی مرگ و زندگی منتشر شد. این کتاب به بررسی مرگ از منظر مردم‌شناسی پرداخته است.

این کتاب از یازده مقاله تشکیل شده است. «مرگ قهرمان و فرهنگ جوانان: تفسیری انسانشناختی بر رخداد مرگ...»، «بررسی اسطوره شاهان قربانی شونده بر اساس زندگانی و مرگ کیومرث»، «مرگ و زندگی دوباره سیاوش در اساطیر ایرانی»، «مرگ و آخرت از دیدگاه متون کهن زردشتی»، «آئین‌های پس از مرگ نزد زرتشتیان ایران»، «زندگی بخشی در روایت آفرینش زرتشت (متن بندهش) از منظر کاسیرر» بخشی از مقاله‌های این کتاب است.

«بررسی آئین تدفین و عزاداری در عصر ایلخانی»، «مرگ و زندگی در تمدن‌های باستان با تمرکز بر تمدن شهر سوخته»، «مرگ و زندگی در اندیشه ساسانیان» (نگاهی به کتاب ارداویرفنامه)، «بررسی مرگ و زندگی در هنرها و مراسم آئینی منطقه سیستان و بلوچستان» و «تأثیر تدفین و شویه مرگ در دوره ساسانی با توجه به دیانت زرتشتی در...» سایر عنوان مقاله‌های این کتاب را شامل می‌شود.

کهن‌الگوهایی که در اسطوره‌ها نمود پیدا می‌کنند

فریبا شریفیان در مقدمه کتاب با اشاره به مسیر فنا به بقا می‌نویسد: «موضوع مرگ و مرگ‌اندیشی از دیرباز ناخودآگاه انسان را به خود مشغول کرده است. به عقیده یونگ، روانپزشک و متفکر سوییسی، تصاویر جهان شمولی که در ضمیر ناخودآگاه جمعی، جای دارند کهن‌الگوهایی هستند که در اسطوره‌ها نمود پیدا می‌کنند. مرگ در اسطوره و دین، آغازی برای زندگی دوباره است. بازتاب این مفهوم در تاریخ، ادبیات و فرهنگ جامعه‌های قایل به آن، هویدا است. عروج و تولد؛ مکاشفه و سفر به دنیای پس از مرگ؛ آخرت‌شناسی و معاد؛ شیوه‌های تدفین و آیین‌های برگزار شده برای فرد در گذشته حاکی از مرگ‌اندیشی مشترکی است که مرگ را مسیر رسیدن از فنا به بقا می‌داند؛ مسیری که انسان از آن طریق از زمان گذرا می‌گذرد و در پناه زمان ناگذر و بازگشتنی

مرگ دریچه‌ای به سوی معنا و زندگی راستین

سید محمد بهشتی، رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در مقدمه خود بر کتاب آورده است: «آنچه انسان به مثابه صورت‌های گوناگونی از فرهنگ و تمدن خلق می‌کند، کوشش انسان در مبارزه با نیستی، فراموشی، تلاشی سترگ و مداوم به منظور خلق زندگی و آفرینش است. شاید به این دلیل است که در هنرهای سنتی و ملی ایران، همواره هنرمندان بعدی آیینی به هنر خود می‌دادند. از سوی دیگر، در فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی، مرگ به معنی نیستی و روال نیست. در این فرهنگ و تمدن، مرگ دریچه‌ای به سوی معنا و زندگی راستین و سفر به قلمرویی وسیع‌تر از حیات و هستی است. در سایه چنین رویکرد و اندیشه‌ای است، که مرز میان مرگ و زندگی در فرهنگ و تمدن ایرانی کمرنگ‌تر از فرهنگ‌های دیگر جهان است و مرگ، همواره به اشکال گوناگون، به کمک آیین، هنر و ادبیات، خود به نجوایی سحرانگیز از زندگی و هستی جاودان تبدیل می‌شود.» (ص ۱۳)

مرگ برای مردمان شهر سوخته خوابی گذرا بود

در مقاله «بررسی مرگ و زندگی در هنرها و مراسم آئینی منطقه سیستان و بلوچستان» تالیف مشترک آناهیتا مقبلی و فاطمه شرعیان آمده است: «حال به بررسی نگرش مرگ و اعتقادات و باورهای مربوط به آن در بین مردمانی که به‌نوعی نحوه و کیفیت زندگی آنها در ادوار مختلف مورد رمزگشایی و تا حدودی حیرتانگیز می‌باشد؛ از بین این اقوام می‌توان به مردمان شهر سوخته و یا نوع ساختمان‌های موجود در دهانه غلامان و یا حتی کوه خواجه و در دوران معاصر نیز مناطقی چون شهر تیس، قلعه ترقون و... نیز آثار و بقایای از نحوه تدفین، اهمیت و بزرگداشت مرگ و یا حتی باور دنیایی پس از مرگ نیز بسیار تأمل برانگیز است.» با توجه به اعتقادات مردم جامعه شهر سوخته به زندگانی پس از مرگ، به نظر می‌رسد برای آنان، مرگ تنها مرحله‌ای خاص از زندگانی و به‌صورت یک خواب موقت و گذرا شمرده می‌شده است.» (ص ۱۶۶)

خواندن آیین سوگ سیاوش در «گریستن مغان»

«مرگ و زندگی دوباره سیاوش در اساطیر ایرانی» مقاله دیگری از کتاب به قلم مشترک آزاده حیدرپور، مرجانه الهی و مستانه الهی است، در این بخش می‌خوانیم: «اسطوره سیاوش، پس از طی کردن دوران اساطیری به‌وسیله آیین‌های سوگ سیاوش و سنت‌های مرتبط با آن از قبیل سنت‌های حاجی فیروز، نوروز و... ادامه پیدا کرد. سیاوشان نام آئین‌ها و نیز اماکنی است که در آنها سوگ سیاوش گرفته می‌شده است. قدیمی‌ترین سند تاریخی که در آن درباره سوگ سیاوش سخن رفته تاریخ بخارا مربوط به قرن سوم هجری است؛ مؤلف کتاب ذکر کرده که آیین سوگ سیاوش یا یاد سیاوش در این نواحی «گریستن مغان» خوانده می‌شود و قدمت آیین‌های مرتبط با سوگ سیاوش به سه‌هزار سال پیش می‌رسد. نرشخی می‌گوید «اهل بخارا را بر کشتن سیاوش سروده‌های عجیب است و مطربان آن سرودها را «کین سیاوش» و قوالان «گریستن مغان» گویند و از این تاریخ سه هزار سال است»

تفسیری انسان‌شناختی بر رخداد مرگ مرتضی پاشایی

«مرگ و قهرمان و فرهنگ جوانان تفسیری انسان‌شناختی بر رخداد مرگ مرتضی پاشایی» نوشته علیرضا حسن‌زاده است. در این بخش آمده است: «آریس در کتاب ساعت مرگ ما (همان) ضمن آنکه محورهای مهم مربوط به مرگ را شامل درک مردم از مرگ، دفاع از جامعه خود در برابر نیروهای غیرقابل پیش‌بینی طبیعت و اعتقاد به وجود شر معرفی می‌کند، معتقد است که این محورها پنج مدل از مرگ را در تاریخ فرهنگ و تمدن غرب شکل می‌دهند:

۱- الگوی مرگ اهلی یا آموخته که در خلال قرن ۱۲ تا ۲۰ دیده می‌شود، و در آن مرگ بعدی آیینی دارد و مساله روابط گسیخته را حل و جبران می‌کند و بر تداوم و یکپارچگی جامعه تأکید دارد.

۲- الگوی مرگ فردی که در قرن ۱۱ ظاهر می‌شود و در قرون ۱۷ به‌ویژه جانشین مدل مرگ آموخته یا اهلی می‌شود، در این مدل، مردم خود را بیشتر فرد احساس می‌کنند تا عضوی از جامعه، و همزمان در این مدل جدایی روح از بدن مطرح شده و ترس از فساد جسد مشاهده می‌گردد.

۳- در قرن ۱۸، مرگ، دیگر آموخته و اهلی، و یا مخفی نیست، بلکه وحشی و رازناک است. در قرن ۱۸ مدل سوم با نام مدل مرگ دور و نزدیک مطرح می‌شود.

۴- در قرن ۲۰ مدل مرگ دیگری ظاهر می‌شود که به مرگ، ابعاد قدسی و آیینی می‌بخشد.

۵- مدل بعد، مدل مرگ پنهان است که در قرن ۲۰ تبدیل به مدل مسلط می‌شود و با پزشکی شدن مرگ همراه است (همان) «(ص ۴۳) منبع: ایبنا

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۸۶۶/گ-مرگ-و-زندگی-از-منظر-زبان-زندگی-و-مرگ>